

نشست دو روزه اجلاس شورای وزیران امور خارجه سازمان همکاری اسلامی روز گذشته به میزبانی عراق برگزار شد

آزمون جهان اسلام برای برقراری صلح

گزارش

نشست روز گذشته سازمان همکاری اسلامی در بغداد با حضور هیأت بلندپایه ایران در شرایطی برگزار شد که تنش‌ها میان تهران و واشنگتن همچنان ادامه دارد. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در تشریح مواضع تهران با تأکید بر طرح هفت روزه ایران، همچنان راه را برای پذیرش این شروط از سوی آمریکا باز گذاشت و همچنین با هشدار درباره پیامدهای هرگونه جنگ احتمالی بر پیوند ناگسستنی امنیت کشورهای منطقه تأکید کرد و یادآور شد که «یا امنیت را با هم می‌سازیم یا ناامنی را با هم تحمل می‌کنیم.» عراقچی صبح دیروز در رأس هیأتی دیپلماتیک برای شرکت در پنجاه‌ودومین اجلاس شورای وزیران امور خارجه سازمان همکاری اسلامی (OIC) و انجام دیدارهای دوجانبه با شماری از وزرای شرکت‌کننده، عازم بغداد، پایتخت عراق شد. وزارت خارجه عراق اعلام کرده که ۵۵ کشور عضو و ناظر در نشست حضور خواهند داشت و تمامی ترتیبات سازمانی، لجستیکی و امنیتی برای برگزاری اجلاس تکمیل شده است. این اجلاس با موضوع «گفت‌وگو و همبستگی به‌مثابه دو رکن ضروری برای ارتقای صلح و پیشرفت پایدار»، روزهای شنبه و یکشنبه در بغداد برگزار می‌شود؛ نشستی که در شرایط افزایش تنش‌های منطقه‌ای، فرصتی برای بررسی مسائل و تحولات جهان اسلام، تبادل دیدگاه‌ها درباره راهکارهای تقویت همکاری‌های مشترک و رایزنی با طیف گسترده‌ای از کشورهای اسلامی فراهم می‌کند. حضور وزیر امور خارجه در این اجلاس، علاوه بر تبیین دیدگاه‌های کشورمان درباره بحران‌های منطقه‌ای، فرصتی برای تقویت نقش دیپلماتیک ایران در مدیریت تنش‌ها و کمک به حل‌وفصل اختلافات منطقه‌ای است؛ چنان که اعلام آمادگی تهران برای مساعدت به‌منظور پایان دادن به درگیری‌های عربستان و یمن نیز بر رویکرد بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماتیک برای پیشبرد صلح و ثبات منطقه‌ای تأکید دارد. عراقچی نیز در سخنرانی خود در این اجلاس با تشریح مواضع کشور تصریح کرد که ایران اجبار، تهدید و ارعاب را نمی‌پذیرد و تحت فشار از حقوق حاکمیتی خود دست نخواهد کشید، اما همچنان آمادگی دارد بر پایه احترام متقابل و تضمین‌های معتبر به گفت‌وگو و ادامه دهد. سازمان همکاری اسلامی دومین سازمان بین‌دولتی بزرگ پس از سازمان ملل متحد است که ۵۷ کشور از چهار قاره جهان در آن عضویت دارند. این سازمان به‌عنوان صدای جمعی جهان اسلام، با هدف حفاظت و حمایت از منافع کشورهای اسلامی و در راستای ترویج صلح بین‌المللی و تقویت هماهنگی میان ملت‌ها فعالیت می‌کند. سازمان همکاری اسلامی در پی آتش‌سوزی مسجدالاقصی در بیت‌المقدس، بر اساس تصمیم اجلاس تاریخی رباط، پایتخت مراکش، در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ تأسیس شد.

> وزیر امور خارجه در تشریح مواضع تهران با تأکید بر طرح هفت روزه ایران، همچنان راه را برای پذیرش این شروط از سوی آمریکا باز گذاشت و همچنین با هشدار درباره پیامدهای هرگونه جنگ احتمالی بر پیوند ناگسستنی امنیت کشورهای منطقه تأکید کرد و یادآور شد که یا امنیت را با هم می‌سازیم یا ناامنی را با هم تحمل می‌کنیم

رایزنی‌های دوجانبه در حاشیه نشست

حضور عراقچی در نشست روز گذشته فرصتی را برای دیدارهای دوجانبه با مقام‌های حاضر در نشست نیز فراهم ساخت. در همین راستا وزیر امور خارجه با بدرعبدالعاطی، وزیر خارجه مصر، الطاهر الباعور، سرپرست وزارت خارجه لیبی و هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه دیدار و درباره مهم‌ترین تحولات منطقه‌ای و مسائل جهان اسلام گفت‌وگو کرد. عراقچی در دیدار با همتای مصری با اشاره به فلسفه تأسیس سازمان همکاری اسلامی، مسأله فلسطین را همچنان مهم‌ترین مسأله جهان اسلام دانست و با یادآوری نسل‌کشی فلسطینیان و جنایات ارتکابی در فلسطین اشغالی، بر ضرورت اقدام عاجل و مشترک امت اسلامی برای پایان‌دادن به اشغالگری و نسل‌کشی و نیز توقف بی‌کیفرمانی رژیم صهیونیستی تأکید کرد. وزیر امور خارجه در این دیدار همچنین تأکید کرد ناامنی موجود در تنگه هرمز نتیجه مستقیم اقدامات تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی است که از ۹ اسفند شروع شد و تاکنون به اشکال مختلف ادامه یافته است. عراقچی با اشاره به اهتمام ایران نسبت به دیپلماسی و صلح در منطقه، یادآور شد که جمهوری اسلامی ایران همواره با نگاهی مسئولانه به دیپلماسی برای کاهش تنش پایبند بوده اما طرف آمریکایی بارها پیمان‌شکنی کرد و در آخرین مورد نیز تنها دو هفته بعد از امضای تفاهم خاتمه جنگ، نقض عهد کرد. وزیر امور خارجه همچنین بدرعبدالعاطی را در جریان آخرین رایزنی‌های دیپلماتیک از طریق میانجی‌ها قرار داد. در این دیدار درباره تحولات شبه جزیره عربستان نیز گفت‌وگو و تبادل نظر شد. عراقچی با اعلام آمادگی ایران برای هرگونه مساعدت جهت توقف درگیری‌ها میان عربستان و یمن، تأکید کرد تجربه ۱۲ سال تنش و درگیری نشان داد که هیچ راه‌حل و یا رویکرد نظامی برای موضوع یمن وجود ندارد.

درخواست مصر و ترکیه برای احیای دیپلماسی

«بدر عبدالعاطی»، وزیر امور خارجه مصر و «هاکان فیدان»، وزیر امور خارجه ترکیه هم که در حاشیه نشست بغداد، درباره تحولات منطقه‌ای و راهکارهای مهار تنش‌ها با یکدیگر دیدار و بر ضرورت بازگشت ایران و آمریکا به مسیر گفت‌وگو و ازسرگیری روند دیپلماتیک از طریق مذاکره تأکید کردند و دستیابی به تفاهم میان دو کشور را راهکاری اساسی برای پایان دادن به بحران جاری دانستند.

«عبدالعاطی» در این دیدار بر تداوم تلاش‌های دیپلماتیک، حمایت از راه‌حل‌های سیاسی و تقویت هماهنگی و رایزنی‌ها در چارچوب سازوکار چهارجانبه منطقه‌ای تأکید کرد. وی هدف از این اقدامات را کاهش تنش‌ها و تقویت امنیت و ثبات منطقه‌ای عنوان کرد.

وزیران امور خارجه مصر و ترکیه همچنین تلاش‌های دیپلماتیک صورت‌گرفته و پیشنهادهای مطرح‌شده برای دستیابی به توافقی با هدف مهار تنش‌ها در خاورمیانه را بررسی کردند.

برش

عراقچی در نشست بغداد:

امنیت را با هم می‌سازیم یا ناامنی را با هم تحمل خواهیم کرد

عراقچی در سخنرانی خود در اجلاس سازمان همکاری‌های منطقه‌ای اسلامی با تأکید بر ضرورت تقویت وحدت و گفت‌وگو در جهان اسلام، پایبندی به اصول منشور ملل متحد و احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها را لازمه تحقق صلح و ثبات دانست. وی همچنین با اشاره به تحولات منطقه‌ای، جنگ علیه ایران، ناامنی در تنگه هرمز و بحران‌های فلسطین و یمن، بر ضرورت حل‌وفصل اختلافات از مسیر دیپلماسی و همکاری کشورهای منطقه تأکید کرد. وزیر امورخارجه در بخشی از سخنان خود اظهار کرد: «ایران از مردم، حاکمیت و منافع مشروع خود دفاع خواهد کرد. اما میان دفاع از حقوق‌مان و پیگیری صلح هیچ تناقضی نیست. ما خسارت ناشی از جنگ را می‌شناسیم و دقیقاً به همین دلیل برای صلح ارزش قائلیم.» او با بیان اینکه ایران خواستار هیچ رفتار ویژه‌ای نیست؛ تنها اعمال برابر حقوق و مسئولیت‌ها را برای همگان می‌طلبد، تأکید کرد: «این مسأله در میدان نبرد حل نخواهد شد. صلح را نمی‌توان با تهدید به نابودی بنا کرد.» عراقچی در ادامه افزود: «ایران همچنین به ناوبری ایمن و امن در تنگه هرمز پایبند است؛ آبراهی که برای انرژی و تجارت بسیاری از کشورهای عضو ما حیاتی است و تا ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، کاملاً باز و امن بود. ناامنی و اختلال در دریانوردی از آن زمان تاکنون، نتیجه مستقیم اقدامات تجاوزکارانه آمریکا و رژیم اسرائیل بوده است. امنیت را نمی‌توان با تکرار اشتباهات و جنایات قبلی بازگرداند. نمی‌توان کشوری را بمباران کرد، تهدید به نابودی‌اش کرد و محاصره‌اش نمود، و سپس انتظار داشت امنیت ناوبری به حالت عادی بازگردد.»

وزیر خارجه ادامه داد: «دیپلماسی داشت نتیجه می‌داد. با مساعی جمیله پاکستان و با حمایت قطر که هر دو عضو این سازمان هستند، ایران و آمریکا در ۱۷ ژوئن تفاهمنامه اسلام‌آباد را امضا کردند. براساس بند ۵، ایران متعهد شد ترتیبات لازم را برای تسهیل تردد ایمن کشتی‌ها فراهم کند و ما بلافاصله گفت‌وگوهای فنی با پادشاهی عمان را برای اجرای این تعهد آغاز کردیم. ظرف دو هفته، تردد دریایی به حدود ۶۰ درصد سطح پیش از جنگ تحمیلی بازگشت. اما اقدامات یک‌جانبه و تجاوزات نظامی آمریکا مانع اجرای تفاهمنامه شد و سازوکارهای حل‌وفصل اختلافی که در آن پیش‌بینی شده بود نیز نادیده گرفته شد.»

بی‌اعتمادی عمیق به مذاکره

رئیس دستگاه دیپلماسی با اشاره به اینکه ایران در دو سال گذشته با حسن نیت مذاکره کرده است اما هر بار با حمله نظامی مواجه شده است نه دیپلماسی، افزود: «این امر بی‌اعتمادی عمیقی نسبت به از سرگیری مذاکرات، بدون تضمین‌های معتبر برای عدم تکرار ایجاد کرده است. با این حال، ایران همچنان در را باز نگه داشته است. از طریق قطر، یک برنامه مشخص هفت‌روزه را منتقل کردیم و گفتیم در صورت فراهم شدن شرایط لازم، تنگه می‌تواند بازگشایی شود و تردد عادی دریایی ظرف هفت روز بازگردد؛ انتخاب اکنون با آمریکاست.» او با تصریح اینکه آرمان فلسطین همچنان مسأله اصلی جهان اسلام است و نمی‌توان از صلح سخن گفت و این موضوع اصلی را نادیده گرفت، ادامه داد: «فلسطین همچنان زخمی بر وجدان جامعه جهانی است و غزه به نمادی از ناکامی سازوکارهای بین‌المللی در جلوگیری از نسل‌کشی بدل شده است. ده‌ها قطعنامه به اشغال و خشونت پایان نداده است. رنج مستمر مردم فلسطین، کشتار مردم بی‌گناه توسط رژیم اسرائیل و تهدیدها علیه قدس شریف و اماکن مقدس آن باید همه را نگران کند. ایران در کنار مردم فلسطین ایستاده است و از سازمان همکاری اسلامی و همه اعضای آن می‌خواهد هرآنچه لازم است انجام دهند تا به کشتار و محاصره پایان داده شود و حمایت از حقوق مشروع مردم فلسطین به اولویتی مشترک تبدیل شود، اولویتی که با اقدام عملی و هماهنگ پشتیبانی شود.»

وزیرخارجه در بخش مهمی از سخنرانی خود به موضوع یمن هم اشاره کرد و گفت: «مردم یمن نزدیک به یک دهه است که جنگی ویرانگر، محاصره‌ای غیرقانونی و طولانی‌مدت و خسارات شدید به زیرساخت‌های حیاتی را تحمل کرده‌اند. نقش آمریکا و متحدانش در تحمیل درد و رنج بر یمنی‌ها انکارناپذیر است و فاجعه انسانی ناشی از آن یکی از شدیدترین فجایع انسانی امروز است و نقض‌های جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی همچنان بدون مجازات ادامه دارد.

بحران‌های منطقه راه‌حل نظامی ندارند و اصرار بر رویکرد نظامی با نادیده گرفتن راه‌حل سیاسی، صرفاً اوضاع را پیچیده‌تر می‌کند. ایران از تحولات شبه‌جزیره عربستان عمیقاً نگران است و آماده است هرگونه کمک را برای تسهیل گفت‌وگو میان طرف‌ها، بر پایه نقشه راه صلحی که پیش‌تر برآن توافق کرده‌اند، ارائه دهد. مردم یمن حق دارند با کرامت و به دور از فشار، تحریم و محاصره زندگی کنند.» عراقچی با تصریح اینکه هیچ دولتی نمی‌تواند امنیت پایدار را به بهای امنیت دیگران بسازد، تأکید کرد: «ما معتقدیم مشکلات منطقه ما را باید خود کشورهای منطقه و در درون منطقه حل کنند، پیش از آن‌که به بهانه‌ای برای جنگ‌های قدرت‌های دور تبدیل شوند. با همین روحیه، معتقدیم سرزمین، حریم هوایی و زیرساخت‌های هر کشور منطقه باید فقط در خدمت امنیت منطقه‌ای هر کشور منطقه باید فقط در خدمت علیه همسایه تبدیل نشود. این سخن را با روحیه برادری و حسن همجواری می‌گوییم. مردمان ما در یک منطقه و یک آینده شریک‌اند و انتخاب پیش روی ما ساده است: یا امنیت را با هم می‌سازیم، یا ناامنی را با هم تحمل خواهیم کرد. ایران آماده است با همه برادران و همسایگانش برای تحقق گزینه اول همکاری کند. ایران اجبار، تهدید و ارعاب را نمی‌پذیرد و تحت فشار از حقوق حاکمیتی خود دست نخواهد کشید. اما همچنان آماده گفت‌وگو بر پایه احترام متقابل و تضمین‌های معتبر است.»

عربستان سعودی در تله خطاهای محاسباتی

یادداشت



حسین آجورلو
عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی علامه عسکری و تحلیلگر امنیت بین‌الملل



عربستان سعودی در ۲۲ تیرماه با هدف قرار دادن فرودگاه صنعا برای حفظ محاصره هوایی یمن، وارد مرحله تازه‌ای از درگیری با یمن شد. ریاض تصور می‌کرد این اقدام، ضربه‌ای محدود و حساب شده است که می‌تواند انصارالله را وادار به عقب‌نشینی کند و پرونده یمن را در شرایط خاص داخلی و منطقه‌ای به خصوص درگیری ایران در جنگ و تضعیف امارات در پرونده یمن به سرانجام دلخواه خود برساند و هژمونی خود بر یمن را تثبیت کند. اما آنچه در عمل رخ داد، نقطه مقابل انتظارات این کشور بود. این اقدام، آتش جنگ را به عمق خاک عربستان کشاند و این کشور را زیر حملات موشکی و پهپادی پیاپی قرار داد که اوج آن حمله به فرودگاه بین‌المللی ملک خالد در ریاض بود. عربستان در بحرانی کم‌نظیر فرو رفته و پرونده یمن به عرصه قدرت‌نمایی انصارالله به شکل خاص و محور مقاومت به شکل عام تبدیل شده و راه برون‌رفت عربستان سعودی از این بحران با عدم قطعیت جدی روبه‌روست. پرسش کلیدی این است که چه عواملی باعث شد عربستان وارد این ماجراجویی شود و چرا در آن گرفتار آمد؟ پاسخ این پرسش، در مجموعه‌ای از خطاهای محاسباتی خودساخته و دگرساخته نهفته است که در این یادداشت تحلیلی به آن پرداخته می‌شود.

نخستین خطای محاسباتی عربستان، دست‌کم گرفتن توان نظامی، امنیتی و اجتماعی یمن بود. ریاض تصور می‌کرد با اقدام نظامی و ضربه زدن به یمن، می‌تواند ضربه‌ای به ایران وارد کند. اما در عمل، این اقدام به یکی از مؤلفه‌های قدرت راهبردی ایران تبدیل شد. ایران با مدیریت هوشمندانه، بدون پرداخت هزینه کنترل مستقیم از این پرونده بهره برد. انصارالله با تهدید باب‌المندب، ایران را قادر ساخت در دو گلوگاه مهم انرژی جهان یعنی هرمز و باب‌المندب اعمال نفوذ کند. ایران همچنین با ارائه پیشنهاد میانجی‌گری، تنش یمن را به میز مذاکرات گسترده‌تر متصل کرد و نقش بازیگر مسئول را به خود گرفت. عربستان این زنجیره راهبردی را ندید و خود را در موقعیتی یافت که در آن، هر حمله انصارالله به نفع ایران تمام می‌شد.

پنجمین خطا، فهم نادرست از ماهیت رابطه ایران و انصارالله بود. عربستان و آمریکا اصرار داشتند این رابطه را در قالب پروکسی یا نیروی نیابتی تعریف کنند، یعنی رابطه‌ای عمودی که در آن ایران دستور می‌دهد و انصارالله اجرا می‌کند. بر اساس این تصور، ریاض گمان می‌کرد اگر انصارالله را تحت فشار قرار دهد، این گروه به دلیل وابستگی به ایران به سرعت سازمانی و ایدئولوژیک با کارآمدی بود که نتیجه آن ایجاد وضعیتی که حکمرانی مطلوب‌تر نسبت به مناطق تحت سطره رقبا بود، داشت که در جنگ‌های طولانی با دولت مرکزی یمن آزموده شده بود، و مهم‌تر از همه، به متحد استراتژیک ایران و بخشی از محور مقاومت تبدیل شده بود. این اتحاد، برخلاف تصور رایج، یک اتحاد استراتژیک بود که در آن انصارالله با محاسبات مستقل خود عمل می‌کرد، اما اقداماتش به‌طور خودکار منافع ایران را نیز پیش می‌برد. نتیجه این ترکیب، آن بود که انصارالله فراتر از یک گروه قابل مهار، یک بازیگر منطقه‌ای با توان بازدارندگی و ابتکار عمل بود که می‌توانست آتش جنگ را به عمق خاک عربستان بکشاند.

دومین خطای محاسباتی عربستان، اعتماد بیش از حد به برتری تسلیحاتی و توان دفاعی خود بود. این کشور سالانه حدود ۶۰ میلیارد دلار صرف امور دفاعی و خرید تسلیحاتی می‌کند. ریاض تصور می‌کرد این حجم از تسلیحات پیشرفته، از جمله سامانه‌های پاتریوت، می‌تواند از پایتخت و زیرساخت‌های حیاتی کشور محافظت کند و عربستان را در برابر هرگونه پاسخ یمن ایمن نگه دارد. اما حملات پیاپی به فرودگاه‌ها و تأسیسات نفتی در سواحل دریای سرخ و خلیج فارس نشان داد که این محاسبه از پایه نادرست بوده است. سامانه‌های پدافندی، در برابر حملات موشکی و پهپادی انبوه و کم‌هزینه، کارآمدی لازم را ندارند. این عدم تقارن با هزینه پایین هر موشک انصارالله در برابر هزینه سرسام‌آور هر رهگیری پاتریوت، عربستان را در یک جنگ فرسایشی اقتصادی قرار داده که به نفع آن نیست.

بهره ایران بدون پرداخت هزینه

سومین خطا، برآورد بیش از حد از توان و انسجام نیروهای همسو بود. عربستان تصور می‌کرد می‌تواند با تکیه بر نیروهای نیابتی خود، بار اصلی جنگ را از دوش خود بردارد و پس از هدف قرار دادن فرودگاه صنعا، این نیروها بتوانند فشار زمینی را بر انصارالله افزایش دهند. اما این نیروها فاقد انسجام سازمانی، فاقد انگیزه کافی برای جنگیدن و فاقد مشروعیت مردمی بودند. تلاش‌های مکرر ریاض برای یکپارچه‌سازی این نیروها ناکام ماند و خروج امارات از ائتلاف نیز خلأ قدرت دیگری ایجاد کرد که عربستان نتوانست آن را پر کند. در نتیجه ریاض ناچار شد بار اصلی جنگ را خود بر دوش بکشد؛ باری که توان آن را نداشت.

چهارمین خطا، نادیده گرفتن راهبرد کلان ایران و محور مقاومت در قبال پرونده یمن بود. عربستان تصور می‌کرد با اقدام نظامی و ضربه زدن به یمن، می‌تواند ضربه‌ای به ایران وارد کند. اما در عمل، این اقدام به یکی از مؤلفه‌های قدرت راهبردی ایران تبدیل شد. ایران با مدیریت هوشمندانه، بدون پرداخت هزینه کنترل مستقیم از این پرونده بهره برد. انصارالله با تهدید باب‌المندب، ایران را قادر ساخت در دو گلوگاه مهم انرژی جهان یعنی هرمز و باب‌المندب اعمال نفوذ کند. ایران همچنین با ارائه پیشنهاد میانجی‌گری، تنش یمن را به میز مذاکرات گسترده‌تر متصل کرد و نقش بازیگر مسئول را به خود گرفت. عربستان این زنجیره راهبردی را ندید و خود را در موقعیتی یافت که در آن، هر حمله انصارالله به نفع ایران تمام می‌شد.

پنجمین خطا، فهم نادرست از ماهیت رابطه ایران و انصارالله بود. عربستان و آمریکا اصرار داشتند این رابطه را در قالب پروکسی یا نیروی نیابتی تعریف کنند، یعنی رابطه‌ای عمودی که در آن ایران دستور می‌دهد و انصارالله اجرا می‌کند. بر اساس این تصور، ریاض گمان می‌کرد اگر انصارالله را تحت فشار قرار دهد، این گروه به تله‌ای بود که آمریکا و اسرائیل برای درگیر کردن ریاض در پرونده ایران و متحدانش پهن کرده بودند. پس از جنگ با ایران، آمریکا و اسرائیل به دنبال آن بودند که بار مهار و مقابله با ایران و محور مقاومت را بر دوش متحدان منطقه‌ای، بویژه عربستان بیندازند بدون آنکه هزینه‌های آن را بپردازند. پرونده یمن، بهترین ابزار برای این هدف بود. عربستان با اقدام نظامی، با نرسیدن به اهداف خود، منابع و توان خود را درگیر جنگی فرسایشی کرد که در نهایت، به تقویت موقعیت ایران و یمن انجامید.

در واقع، ریاض در دامی افتاد که برای دیگری پهن شده بود و خود را زیر آتش یمن قرار داد در حالی که آمریکا و اسرائیل، خود را از این بحران دور نگه می‌دارند.

هفتمین خطا، اعتماد بیش از حد به کارآمدی ائتلاف‌ها و پیمان‌های امنیتی بود. تجربه نشان داده است آمریکا به غیر از اسرائیل، عموماً وارد دفاع مؤثر از متحدان منطقه‌ای خود نمی‌شود. حمایت آمریکا از عربستان عمدتاً به مدیریت بازار انرژی و مهار ایران محدود می‌شود و شامل دفاع فعال از متحدان عربی در برابر حملات پرهزینه نمی‌شود. از سوی دیگر، پیمان دفاع مشترک مکه که میان عربستان، پاکستان و ترکیه امضا شد، قرار بود به عنوان یک چتر امنیتی جایگزین برای کاهش وابستگی ریاض به آمریکا عمل کند و پس از اقدام نظامی، از عربستان در برابر پاسخ یمن محافظت کند. اما این پیمان در اولین آزمون جدی خود ناکام ماند. این ناکامی ریشه در چند ضعف ساختاری داشت. عربستان ایران را تهدید وجودی می‌دید، ترکیه آن را رقیبی قابل مدیریت می‌دانست و پاکستان به دنبال کاهش تنش بود و این عدم هم‌سطحی در اولویت‌بندی تهدیدات، ائتلاف را از درون تضعیف کرد. رقابت هویتی میان عربستان و ترکیه بر سر رهبری جهان اسلام نیز مانع از هماهنگی مؤثر شد. فقدان ساختار سازمانی منسجم و تردید کشورها نسبت به تعهدات ائتلافی خود در دوره‌گذار نظم بین‌الملل، این ناکامی را تشدید کرد. در نتیجه، ریاض در وضعیتی قرار گرفت که می‌توان آن را تنهایی راهبردی نامید، وضعیتی که در آن ائتلاف منطقه‌ای ناکارآمد و چتر حمایتی آمریکا غیرقابل‌اطمینان است.

هشتمین خطا، نادیده گرفتن محدودیت‌های اعمال هژمونی در یمن بود. یمن، برخلاف تصور عربستان یک میدان خالی نبود که ریاض بتواند به‌تنهایی معادلات آن را به نفع خود یک‌طرفه کند. این کشور، دارای ذی‌نفعان پنهان و آشکار متعددی است که هر یک به نوعی در معادلات یمن حضور داشتند. عربستان تصور می‌کرد با هدف قرار دادن یمن و تکیه بر قدرت مالی و نظامی خود، می‌تواند سایر بازیگران را از میدان خارج کند. اما در عمل، هر یک از این بازیگران منافع خاص خود را دنبال می‌کردند و همین تعدد ذی‌نفعان، کار یک‌طرفه‌سازی معادلات به نفع یک بازیگر را دشوار می‌کرد و حتی چالش آفرینی رقبا موجب افزایش هزینه و تضعیف رقیب یعنی عربستان در معادلات منطقه‌ای می‌شود. عربستان این واقعیت را نادیده گرفت و خود را در موقعیتی یافت که در آن، نتواند به‌تنهایی پیروز شود و نتواند به‌تنهایی از میدان خارج شود.

> عربستان باید بپذیرد که یمن یک کشور همسایه با هویت و منافع مستقل است و نه یک منطقه تحت نفوذ، و روابط پایدار میان دو کشور تنها بر اساس احترام متقابل، عدم مداخله در امور داخلی و پذیرش توازن قدرت واقعی امکان‌پذیر است، به گونه‌ای که سیاست همسایگی جایگزین سیاست هژمونی شود

راه برون رفت از بحران یمن

با توجه به مجموعه خطاهای محاسباتی فوق، راه برون‌رفت از بحران یمن نیازمند بازنگری در رویکرد عربستان و سایر بازیگران منطقه‌ای است. این راه‌حل مبتنی بر چند باید اساسی است. اول، به رسمیت شناختن خواست یمن و مردم یمن است. بحران یمن در نهایت یک بحران یمنی است که راه‌حل آن نیز باید یمنی-یمنی باشد و هرگونه راه‌حل پایدار باید مبتنی بر پذیرش حق تعیین سرنوشت مردم یمن و احترام به اراده سیاسی آنها باشد، زیرا بدون این پیش‌فرض هر توافقی شکننده و موقت خواهد بود. دوم، ایجاد روابط بر اساس توازن و سیاست همسایگی است. عربستان باید بپذیرد که یمن یک کشور همسایه با هویت و منافع مستقل است و نه یک منطقه تحت نفوذ، و روابط پایدار میان دو کشور تنها بر اساس احترام متقابل، عدم مداخله در امور داخلی و پذیرش توازن قدرت واقعی امکان‌پذیر است، به گونه‌ای که سیاست همسایگی جایگزین سیاست هژمونی شود. سوم، دور کردن مداخله‌گران خارجی از پرونده یمن است.

یکی از عوامل اصلی پیچیدگی بحران یمن حضور و مداخله بازیگران خارجی متعدد است و هرگونه راه‌حل پایدار نیازمند کاهش این مداخلات و سپردن سرنوشت یمن به خود یمنی‌هاست، چراکه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باید بپذیرند یمن میدان رقابت ژئوپلتیک آنها نیست. چهارم، برداشتن محاصره از یمن است. محاصره دریایی و هوایی یمن با ایجاد بحران انسانی به یکی از موانع اصلی مذاکره تبدیل شده است و برداشتن این محاصره اولین گام اعتمادسازی و پیش‌شرط هرگونه مذاکره جدی است، زیرا بدون این گام هیچ طرف یمنی حاضر به نشستن بر سر میز مذاکره نخواهد بود.